

الگوی مشارکت مردم در اقتصاد، با تأکید بر اندیشه امام خمینی *

sho.hosseini@chmail.ir

solimani@isu.ac.ir

ک. سیدحسین حسینی / دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، دانشگاه امام صادق *

محمد سلیمانی / استادیار گروه اقتصاد سیاسی دانشگاه امام صادق *

دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۷ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳

چکیده

از آنجاکه یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی، مردمی شدن اقتصاد است، لازم است الگوی مشخصی از این رکن و ابعاد آن ارائه گردد. امام خمینی * با اتکا به این الگو، توانستند ظرفیت‌های مردم را در برخی عرصه‌های اجتماعی، شکوفا کرده و از آن برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی کمک بگیرند. از این رو، رجوع به اندیشه ایشان جهت درک و طراحی الگوی مذکور، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله، تلاش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که بر اساس اندیشه امام خمینی *، مشارکت مردم در اقتصاد چه الگویی دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، به کمک روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، بیانات ایشان در صحیفه نور، مورد بررسی قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌های حاصل از بیانات ایشان، الگوی مذکور، در قالب یک الگوی بصری و با تأکید بر مقوله محوری، شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر، حوزه‌های راهبردی و پیامدها ارائه شد. بر اساس این مدل، برای مشارکت مردم در اقتصاد، ضمن هوشیاری از دسیسه‌های دشمن، باید شرایط علی مشارکت مردم در اقتصاد را تقویت و شرایط زمینه‌ای آن را فراهم کرد تا فرایند مشارکت مردم در اقتصاد محقق شود.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، امام خمینی *، مردم‌بنیانی، مشارکت مردمی.

طبقه‌بندی: JEL: A19, D29, P4

جامعه اسلامی ایران به دلیل مشارکت مردم در عرصه‌های گوناگون سیاسی، نظامی و سازندگی، همچون مشارکت در فرایندهای انتخاباتی، دفاع مقدس، نهضت سوادآموزی، جهاد سازندگی، پوشش‌های مردمی در بلایای طبیعی و مواردی از این دست، جامعه مردمی است که با همین رویکرد نیز توانسته موانع کوچک و بزرگ بسیاری را از ابتدای انقلاب تاکنون پشت سر بگذارد. با این وجود و علی‌رغم همه پیشرفت‌های شگرف در عرصه‌های علمی، نظامی و... در کشور، پس از گذشت چند دهه از انقلاب اسلامی، هنوز درگیر مشکلات اقتصادی است. راهکار حل این مشکلات، تحقق اقتصاد مقاومتی است که مردمی‌شدن اقتصاد، یکی از مهم‌ترین و پایه‌ای‌ترین ویژگی‌های آن به‌شمار می‌رود (یوسفی، ۱۳۹۵، ص ۲۵).

نقش محوری و کلیدی مردم در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی، مطلبی است که هم با رجوع به ادبیات اقتصاد مقاومتی و هم از مقدمه و سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، قابل تشخیص است. مقام معظم رهبری، در این زمینه می‌فرماید:

از ویژگی‌های سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مردم‌محوری است که در این سیاست‌ها ملاحظه شده. تجربه هم به ما نشان می‌دهد، بیانات و معارف اسلامی هم تأکید می‌کند که هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. ... نشانه و نمونه آن، دفاع هشت‌ساله، نمونه آن خود انقلاب و نمونه آن گذر از گردنه‌های دشوار این ۳۵ سال است؛ چون مردم در میدان بودند کارها پیش رفته، ما در زمینه اقتصادی به این کمتر بها دادیم (بیانات رهبری، ۲۰/اسفند/۱۳۹۲).

در بند اول سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی نیز موردی که بر آن تأکید شده «تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور، به‌منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط» است.

از سوی دیگر، مجموعه‌ای که با شوک‌های بیرونی مواجه است، هر چه بیشتر بتواند قدرت خود را بین اجزای خود پراکنده کرده و نرخ مشارکت در آن بالاتر باشد، دوام‌آوری و مقاومت آن بالاتر خواهد بود. رابطه مثبت بین نرخ مشارکت نیروی کار و مقاومت اقتصادی (شقاقی شهری، ۱۳۹۷)، شاهدی بر این ادعاست. به عبارت دیگر، اگر نظام اقتصادی طوری باشد که با قاعده وسیعی از هرم اجتماعی ارتباط نداشته باشد، به هنگام فشارهای اقتصادی، نظام اقتصادی مدافعین زیادی نخواهد داشت و دفاع اقتصادی، باید توسط همان چند بازیگر خاص صورت بگیرد. درحالی‌که اگر بدنه فعالان اقتصادی گسترده و توانمند باشد؛ یعنی بخش اعظمی از برنامه‌ها و سرمایه‌ها صرفاً در بخش‌های اقتصادی خاصی یا فقط در یک محدوده جغرافیایی خاصی تمرکز پیدا نکرده باشد، آنگاه مقابله با چنین اقتصادی، بسیار دشوار خواهد بود. مشارکت مردم در اقتصاد، موجب می‌شود که جبهه مقاومت اقتصادی، بسیار قوی‌تر و در پشت صحنه اقتصاد، حامیان بسیار متکثری وجود داشته باشد (خاندوزی، ۱۳۹۳).

با توجه به توضیحات فوق، برای مردمی شدن اقتصاد، چه فرایندی باید طی شود؟ نقطه شروع در این فرایند و مراحل آن کدامند؟ به کدام بخش باید اهمیت بیشتری داد؟ چه علل و عواملی، بر مشارکت مردم اثرگذارند؟ موجبات مشارکت مردم در عرصه‌های اقتصادی کدامند؟ مردم در چه حوزه‌هایی از اقتصاد، باید مشارکت داده شوند؟ مردمی شدن اقتصاد، چه نتایجی به دنبال دارد؟ دشمن چه نقشی در جلوگیری از مردمی شدن اقتصاد دارد؟

لازمه حرکت به سمت اقتصاد مردمی، تحقق آنچه گذشت و پاسخ به سؤالات فوق، ترسیم و طراحی مدل و الگویی برای اقتصاد مردمی است تا در چارچوب آن، بتوان به ابعاد اقتصاد مردمی، به صورت یک سیستم نگرینست. برای این کار، نخست باید به سراغ کسانی رفت که اولاً، شناخت و باور درستی از مردم ایران داشته باشند. ثانیاً، بتوان به اندیشه آنان به مثابه نظام فکری قابل اعتماد نظر انداخت. ثالثاً، توانسته باشند مردم‌محوری را در برخی از عرصه‌های اجتماعی تحقق بخشند.

اندیشه امام خمینی^ع به دلیل دارا بودن این ویژگی‌ها، محل رجوع بسیار خوبی است. ایشان، دارای بهترین شناخت از مردم و ملت ایران اسلامی بودند؛ زیرا توانستند با باور به این ملت بزرگ و سپردن صحنه به مردم، انقلابی چون انقلاب اسلامی را خلق کرده، و با هدایت‌های خود، دفاع مقدس را با حضور آنان رقم بزنند. از یک سو، نظرات امام^ع قرائت کنونی از اسلام است. ایشان توانسته فهم اسلامی خود را در عصر حاضر عملی و نظام‌سازی کنند، سال‌ها در منصب مرجعیت و رهبری امت ایفای نقش کرده و وقتی چیزی را بر زبان جاری می‌ساختند، به قطع بر بسیاری از جنبه‌ها اشراف داشتند. از سوی دیگر، آنچه ایشان در عرصه سیاست در مقام نظر و عمل (نهادسازی) بیان داشته‌اند، تاکنون به قوت خود، پابرجاست. این امر نشان از عمق نظام‌سازی ایشان است. امام خمینی^ع کار و صحنه و ابتکار عمل را به مردم واگذار نمود. ایشان با ایجاد بیداری و خودباوری در ملت، عزم و قیام مردمی ایجاد کرده و توانستند به کمک مردم، وقایع شگرفی چون انقلاب اسلامی و دفاع مقدس را رقم بزنند.

با توجه به توضیحات فوق، سؤال اصلی پژوهش این است که «بر اساس دیدگاه حضرت امام خمینی^ع مشارکت مردم در اقتصاد از چه مدل و الگویی تبعیت می‌کند؟».

در پاسخ به سؤال فوق، ابتدا پیشینه و روش تحقیق ذکر شده و سپس، در بخش ارائه مدل، به جدول مفاهیم و مقولات مدل مشارکت مردمی، نمای شماتیک آن و توضیحات مربوط به اجزای مدل مذکور پرداخته شده و در انتها، نتیجه‌گیری تحقیق بیان می‌شود.

ادبیات نظری

مشارکت در لغت، اسم مصدر به معنای «با هم شریک شدن و شرکت کردن با هم» است (عمید، ۱۳۸۹، ص ۹۴۴) و در اصطلاح، به کنش یا عملی گفته می‌شود که عامل با توجه به انتظارات افراد دیگر، آن را انجام می‌دهد (گلایی و اخسی، ۱۳۹۴).

اگرچه مشارکت تاریخچه‌ای طولانی و پیچیده دارد (کُرَن وال، ۲۰۰۸)، ولی در دیدگاه‌ها و نظریه‌های مشارکت،

می‌توان دو رویکرد عمده را تشخیص داد: نگرش خرد و نگرش کلان (شیانی و همکاران، ۱۳۹۱). در نگرش اول، مشارکت از حیث خرد آن مورد بررسی قرار می‌گیرد و موضوع بحث آن، مشارکت اعضای جامعه به صورت خرد در یک فعالیت اقتصادی است. در این مدل‌ها، از حالت‌های مختلف مشارکت بین بنگاه‌های اقتصادی بحث می‌شود. سؤالاتی که در این نوع از مشارکت از آنها بحث می‌شود، چنین است: «به چه میزان سرمایه نیاز است؟»، «چه منافعی برای تیم‌های شرکت‌کننده حاصل می‌شود؟»، «درصد سهم بری عوامل چه میزان است؟»، «چه قواعدی بر ایجاد یا انفکاک مشارکت حاکم است؟» و... انواع مشارکت افراد، که در مدل‌های کسب‌وکار از آن بحث می‌شود، از این نوع است. «مشارکت مالی»، «مشارکت بازرگانی»، «مشارکت پژوهشی»، «مشارکت تجهیزاتی» و «مشارکت پروژه‌ای»، از انواع مشارکتی هستند که به این دسته مربوط می‌شوند.

اما رویکرد دوم مشارکت، به آن از منظر جمعی و اجتماعی نظر می‌افکند و موضوع بحث آن، مشارکت اعضای جامعه، به شکل اجتماعی در حوزه اقتصاد است. این مدل‌ها، از رفتار اجتماعی اعضای یک جامعه، در قبال اهداف و حوزه‌های اقتصادی بحث می‌کنند و به حالت‌های مختلف مشارکت، که بین دو فرد می‌تواند به وقوع بپیوندد، نمی‌پردازند. در این رویکرد، مشارکت به فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه‌ای اطلاق می‌شود که طی آن، اعضای جامعه در امور جامعه شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی خود سهیم می‌شوند (اسدیور و همکاران، ۱۳۹۷). «عوامل اثرگذار بر مشارکت مردم در اقتصاد چیست؟»، «مشارکت مردم از چه فرایندی تبعیت می‌کند؟»، «مردم در کدام حوزه‌های اقتصادی می‌توانند مشارکت داشته باشند؟» و...، از جمله سؤالاتی است که در این مدل‌ها، از آنها بحث می‌شود. مشارکت مدنظر در این پژوهش، از نوع رویکرد دوم است.

مدل‌های مشارکتی «شری ارنشتاین»، «دیوید دریسکل»، «جان ترنر»، «جیمز میجلی» و «اسکات دیویدسون»، از مهم‌ترین مدل‌هایی می‌باشند که در رویکرد دوم مطرح می‌شود که در ادامه، به‌طور مختصر توضیحاتی در مورد هر یک آمده است.

۱. مدل شری ارنشتاین (Sherry Arnstein)

در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین، در مقاله‌ای که برای اولین بار در سال ۱۹۶۹ منتشر شد، مفهوم «مشارکت» را به نحوی روشن سطح‌بندی و تبیین کرد (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴). این مدل که به مدل «نردبان مشارکت» نیز شناخته شده است، از عضویت صرف و عدم مشارکت تا مشارکت واقعی را دربر گرفته است. عوام‌فریبی، درمان، اطلاع‌رسانی، مشاوره، تسکین‌بخشی، همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروند، به ترتیب پله‌های این نردبان را تشکیل می‌دهند (دیویس و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۸).

بر اساس نظر/ارنشتاین، در پایین‌ترین پله این نردبان، عدم مشارکت وجود دارد و شهروندان از هیچ قدرتی برخوردار نیستند. گاهی برخی سازمان‌ها، با ایجاد شکلی ساختگی از مشارکت، به عوام‌فریبی می‌پردازند. سرپوش گذاشتن بر

دیدگاه‌ها و رفتارها از طریق نظرسنجی، هدف پله درمان است. مراتبی از اطلاع‌رسانی به شهروندان نسبت به حقایق موجود درباره برنامه‌ها، پله بعدی است. در صورت عملکرد مناسب در مرحله آگاه‌سازی، حرکت به سوی جلب مشارکت شهروندان آغاز می‌شود و مشاوره، برای انعکاس نظرات شهروندان به تصمیم‌گیرندگان سودمند خواهد بود. نتیجه این مشاوره، برخورداری کم از حق مشارکت است؛ اما به‌طور موقت و تسکین‌بخش که مشارکت واقعی محسوب نمی‌شود؛ یعنی شهروندان از اقتدار کافی برخوردار نبوده و تصمیم‌گیری با صاحبان قدرت است و مراتبی از مساوات‌طلبی نمایشی به وجود می‌آید. در پلکان بعدی، اشکال واقعی مشارکت دیده می‌شود که در قالب همکاری، قدرت تفویض شده و نظارت شهروند مطرح می‌شوند و بیانگر توزیع قدرت شهروند به واسطه مذاکره است. مخالفان بر این عقیده‌اند که این سطح، به دلیل هزینه‌بر بودن، نارسایی و امکان سوءاستفاده فرصت‌طلبان، مانع از ارائه مناسب خدمات عمومی می‌شود. در واقع، با این نردبان می‌توان به تفاوت مشارکت تصنعی و واقعی پی برد (شیبانی و همکاران، ۱۳۹۱).

۲. مدل دیوید دریسکل (David Driskell)

طبق الگوی مشارکتی دیوید دریسکل (۲۰۰۲)، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است (رجبی و دانش‌فرد، ۱۳۹۳):
الف. توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد.
ب. مردمی که در محدوده مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند.
ج. مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری دارند.
از نظر دریسکل، اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دو دسته کلی‌تر «مشارکت» و «عدم مشارکت»، جای می‌گیرد. دستکاری و تقلب، مساوات‌طلبی نمایشی و تزئین، از اشکالی است که در دسته عدم مشارکت و مشاوره، سهمین شدن در تصمیمات و مسئولیت‌پذیری مردم نیز از جمله مواردی است که در دسته مشارکت جای می‌گیرد.

۳. مدل جان ترنر (John Turner)

تحقیقات ترنر که با محوریت رابطه دولت‌های مرکزی و مردم صورت گرفته، نشان می‌دهد، هنگامی که دولت در امور اجتماعی محلی دخالت می‌کند و اراده‌ای برای مردم تعریف نمی‌کند، هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی، توان و امکانات دولت از دست می‌رود. وی با طبقه‌بندی اصولی انواع مشارکت، کمک شایانی به شکل‌گیری نظریه مشارکت کرده است. در اینجا، این طبقه‌بندی بیان شده است:
حالت اول، در این حالت دولت مقتدر، متمرکز و ثروتمند است. لذا هیچ نیازی به مشارکت مردم ندارد، مانند اکثر کشورهای عربی. حالت دوم، در این حالت دولت مقتدر و متمرکز است ولی ثروتمند نیست. لذا دولت در نوع رابطه با مردم، به زور یا تشویق از آنها، می‌خواهد که در امور به‌طور رایگان مشارکت کنند و یا با اهداء پول یاری برسانند، مانند برخی کشورهای اروپای شرقی. حالت سوم که در آن دولت تابع تصمیم‌گیری مردم در همه‌اموری است که مربوط به آنها می‌شود، مثل کشورهای اسکانديناوی. حالت چهارم، حالتی که دولت دخالتی در امور محلی ندارد و مردم از طریق سازمان‌های مردمی، امور را مدیریت می‌کنند. همچون کشورهای شمال اروپا و آمریکای شمالی (کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴).

۴. مدل جیمز میچلی (James Midgley)

میچلی، بر مبنای نوع پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار دسته تقسیم می‌کند:

- شیوه ضد مشارکتی: طرفداران این طرز تفکر معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها می‌باشند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی، در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آنها تعارض پیدا کند، نمی‌دهند.

- شیوه مشارکت هدایت‌شده: در این شیوه، دولت در جهت استفاده ابزاری از مشارکت برای اجرای طرح‌های عمرانی، کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی، یا استفاده از جاذبه مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی و اجتماعی، به حمایت از مشارکت و هدایت آن می‌پردازد.

- شیوه مشارکت فزاینده: در این شیوه، دولت در برخورد با مشارکت، به شکلی دوگانه عمل می‌کند. به این ترتیب، در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، ولی در مسیر تحقق پیشنهادهای مشارکتی، اقدام مؤثری انجام نمی‌دهد.

- شیوه مشارکت واقعی: در این شیوه، دولت به‌طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارها، آموزش و تقویت اجتماعات محلی، تدارک مواد و دیگر اشکال کمک، برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها تلاش می‌کند (حبیبی و سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴).

۵. مدل اسکات دیویدسون (Scott Davidson)

اسکات دیویدسون در سال ۱۹۹۸، مدلی از مشارکت مردم ارائه کرد که در آن، سطوح مختلف مشارکت، بدون اینکه ترجیحی برای هیچ یک قائل باشد، بیان شده است. به همین دلیل، این مدل به مدل «گردونه مشارکت» شناخته می‌شود (همان). در این مدل، تصمیم‌گیری به‌صورت تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد. سطوح چهارگانه‌ای که توسط اسکات ارائه شده، عبارت است از: «اطلاع‌رسانی»، «مشاوره»، «مشارکت» و «نوانمندسازی» (خادم‌الحسینی و عارفی‌پور، ۱۳۹۱).

پیشینه موضوع

غالب آثاری که در زمینه مشارکت مردمی، توضیح حوزه‌ها و ابعاد نظری آن به رشته تحریر درآمده‌اند، در حوزه مشارکت مردم در عرصه سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی هستند. اما آثاری که به مشارکت مردم در اقتصاد پرداخته باشند، با توجه به اهمیت موضوع اندک‌اند. آن دسته از آثار هم که به مشارکت مردم در اقتصاد پرداخته‌اند، در دو دسته جای می‌گیرند: دسته اول، آن آثاری می‌باشند که صرفاً به مشارکت مردم در اقتصاد پرداخته، ولی به دنبال استخراج نظر امام خمینی^ع و طراحی الگویی برای مشارکت مردم در اقتصاد نبوده‌اند. دسته دوم، آثاری می‌باشند که با اینکه به برخی از ابعاد مشارکت مردم در نظر حضرت امام^ع پرداخته‌اند، ولی روش آنها این بوده که صرفاً بیانات حضرت امام^ع جمع‌آوری شده و پس از انتخاب عنوان برای آنها، گزاره‌های دارای عنوان مشابه ذیل یک عنوان

کلی‌تر ذکر شده بود. این کار، اگر چه مطلوب است، ولی وقتی محقق جمع‌بندی خود از گزاره‌ها و تقدم، تأخر و مطلق، مقید آنها را توضیح نمی‌دهد، نمی‌تواند در ذهن مخاطب الگویی نظام‌مند و کاربردی ایجاد کند.

در زیر به‌عنوان نمونه، به برخی از این منابع اشاره شده است:

حسینی (۱۳۹۵)، در مقاله خود تلاش کرده است به روش اسنادی و با رجوع به بیانات حضرت امام^ع و جمع‌بندی آنها، جایگاه مردم در مدل اقتصاد اسلامی را مشخص کند. او در این مقاله، همه مردم ایران اسلامی را دارای حق برخورداری از تمامی حقوق انسانی و اجتماعی دانسته و بیان داشته که ملت اساس مملکت است و نبض اقتصاد باید در دست مردم باشد. از این‌رو، باید دولت مردمی بوده و مردم بر تمامی عرصه‌های اقتصاد تسلط کامل داشته باشند.

ثقفیا و موسوی لقمان (۱۳۹۳)، در تحقیقی با استفاده از روش داده‌بنیاد متنی، به دنبال تبیین نقش مردم در پیشرفت اقتصادی، بر مبنای رهنمودهای ولی فقیه بوده‌اند. در مدل ارائه شده در این مقاله، اقتصاد مردمی به‌عنوان مقوله‌ی محوری مشخص شده و شرایط علی، بسترسازی‌های لازم و شرایط زمینه‌ای و شرایط مداخله‌کنندگان، برای تحقق اقتصاد مردمی تبیین شده است.

یوسفی (۱۳۹۲)، در مقاله خود با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، مبانی، اهداف، اصول و راهبرد الگوی آزادی اقتصادی مردم‌سالار را بر اساس آموزه‌های اسلامی تبیین و تحلیل کرده است. در این الگو، آزادی اقتصادی برای تمام فعالان اقتصادی، به‌عنوان حق شمرده شده است. هرچند آنان در برابر بهره‌مندی از این حق، با تکالیف و مسئولیت‌هایی روبرو می‌باشند. این الگو، از یک سو مبتنی بر مبانی بینشی خاصی است و از سوی دیگر، در پی هدف‌های معینی است و برای رسیدن به آن اهداف، اصول و راهبرد اقتصادی ویژه‌ای دارد.

شریف‌زاده و صدقی (۱۳۸۷)، در پژوهشی با استفاده از روش تحقیق توصیفی، از نوع پیمایشی و در راستای شناسایی عوامل جلب مشارکت‌های مردمی، در زمینه اجرای طرح‌ها و برنامه‌ها، به بررسی عوامل مهم در زمینه مشارکت شهروندان پرداخته‌اند. عوامل مورد نظر در این تحقیق عبارتند از: سودآور بودن فعالیت مشارکتی، اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی مردم به یکدیگر، اطلاع‌رسانی و پاسخگویی مدیران شهری.

حسینی بهشتی و هاوی (۱۳۸۵)، در مقاله‌ای تلاش کرده‌اند تا ایده اساسی امام خمینی^ع در رابطه با لزوم ارتقای سطح اعتماد اجتماعی و مشارکت‌جویی، به‌مثابه روبرکردی در سیاست‌ورزی در ایران مورد تأمل قرار گیرد. از دید ایشان، در صورت گسترش مشارکت آگاهانه و توأم با اعتماد به نفس مردم، حقوق و تعهدات برابر و متقابل بین آحاد مردم و دستگاه حکومتی برقرار شده، و روابط قدرت از شکل عمومی و یک‌سویه (از بالا به پایین)، تبدیل به همکاری متقابل جامعه و نهاد سیاسی می‌گردد.

طوسی (۱۳۷۲)، در کتاب خود در جهت تبیین مشارکت در حوزه مدیریت و مالکیت، به بررسی معنای مشارکت پرداخته و آنگاه مشارکت را به‌عنوان یک ضرورت اخلاقی بررسی کرده و مشارکت در تصمیم‌گیری را بیان می‌دارد. دری نوگورانی (۱۳۶۹)، در پایان‌نامه خود تلاش کرده است با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به بررسی نظری و کاربردی مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی به‌طور اعم و مشارکت مردم در ایران به‌طور اخص بپردازد. به

همین دلیل، پس از تعریف مشارکت، به مشارکت اقتصادی و دموکراسی صنعتی پرداخته و آنگاه ویژگی‌های مشارکت را بیان کرده است. سپس، به عوامل زمینه‌ساز مشارکت و موانع آن و کاربرد مشارکت و سرانجام نیز به نظام مشارکت و جایگاه مشارکت مردم در نظام جمهوری اسلامی ایران اشاره کرده است.

لچمان (Lechman) و کُر (Kaur) (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای با استفاده از روش داده‌های ترکیبی (پانل دیتا)، رابطه بین رشد اقتصادی با مشارکت نیروی کار زنان را، در ۱۶۲ کشور در فاصله زمانی، ۱۹۹۰ الی ۲۰۱۲ مورد بررسی قرار داده‌اند. لوزیندیلو (Losindilo) و همکاران (۲۰۱۰)، در پژوهشی در مورد زنان تانزانیا، به مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پرداخته، و از عواملی که مانع مشارکت آنان در این فعالیت‌ها می‌شوند، بحث کرده‌اند. در این تحقیق، با استفاده از رگرسیون لجستیک چندگانه (Multiple Logistic Regressions)، به بررسی رابطه بین مشارکت، به‌عنوان متغیر وابسته و عوامل مذکور پرداخته شده است.

هالر (Haller) و هادرلر (Hadler) (۲۰۰۶)، در مقاله خود به روش تحلیل تطبیقی، در سطح ۴۱ کشور، در فاصله زمانی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۱۹۹۷، به دنبال بیان رابطه بین روابط اجتماعی، مشارکت شغلی، جهت‌گیری‌ها و مشارکت‌های اجتماعی و فرهنگی، با شادی و رضایت از زندگی بوده‌اند.

مکلگان (Mc lagan) و نل (Nel) (۱۹۹۲)، در کتاب خود به دنبال این بوده‌اند که نقشه کلی چشم‌انداز مشارکت را ترسیم کرده و ارتباط‌های متقابل موجود در میان قطعات گوناگون آن را به نمایش بگذارند. این کتاب، به مشارکت به‌منزله شکل مسلطی از اداره نهادی شده امور می‌پردازد که به آرامی در حال شکل‌گیری است.

نواک (Novak) (۱۹۸۲)، در کتاب خود می‌کوشد که اقتصاد سرمایه‌داری را اقتصادی مردمی نشان دهد؛ یعنی پیاده شدن اصول اقتصاد سرمایه‌داری را موجب تحقق مشارکت مردمی می‌داند. او در این کتاب می‌کوشد که مفروضات فنی سرمایه‌داری دموکراتیک، روح آن، ارزش‌ها و اهداف آن را درک و تجزیه و تحلیل نماید.

با توجه به توضیحات فوق، تحقیق حاضر اولاً، تلاش کرده است که به مردمی‌شدن در عرصه اقتصاد بپردازد. ثانیاً، به دنبال ارائه مدل و الگویی در این حوزه بوده و ثالثاً، خواسته است که مبتنی بر اندیشه امام خمینی^ع به ارائه بحث بپردازد.

روش پژوهش

پس از بررسی‌های انجام شده، روش «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، به‌عنوان روش مناسب برای پاسخگویی به سؤال تحقیق پیش رو انتخاب شد؛ چراکه این نظریه زمانی به کار می‌رود که به یک تئوری گسترده، یا توضیح یک فرایند نیاز است (کریسول، ۲۰۰۵، ص ۲۴۳).

نظریه داده‌بنیاد عبارت است از: فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون، از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه گردآوری شده، برای پاسخگویی به پرسش‌های نوین، در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن می‌باشند (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). از آنجاکه در حوزه

مشارکت مردمی، در اقتصاد از جنبه نظری، کار چندانی صورت نگرفته است، از این رو، بررسی مؤلفه‌ها و چارچوب‌های آن، مبتنی بر اندیشه حضرت امام^ع از طریق گردآوری منسجم و سازمان‌یافته بیانات ایشان در این زمینه و دستیابی به نظام مفهومی‌های حاکم بر سخنان ایشان و استنباط از آن، در این حوزه امری ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش به دنبال آن است.

فرایند روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به شرح زیر است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶):

الف. انتخاب نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به‌عنوان استراتژی پژوهش: از آنجاکه این نظریه، در داده‌ها بنیان دارد، نسبت به نظریه‌ای که از مجموعه نظریه‌های موجود اقتباس شده و تطبیق داده می‌شود، تبیین بهتری ارائه می‌دهد. به همین دلیل، مسئله پژوهش پیش رو، تبیین الگوی اقتصاد مردمی، بر مبنای رهنمودهای امام خمینی^ع با استفاده از روش داده‌بنیاد است.

ب. در نظر گرفتن یک فرایند برای بررسی و مطالعه: در نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک فرایند، زنجیره‌ای از کنش‌ها و برهم کنش‌ها بین وقایع مربوط به یک موضوع است. فرایند مذکور در این مقاله، پس از بیان مسئله و انتخاب روش داده‌بنیاد، جمع‌آوری داده‌ها از بیانات حضرت امام^ع تجزیه و تحلیل و کدگذاری آنها، ارائه مدل اولیه، اعتبارسنجی آن و در نتیجه، ارائه مدل نهایی است که در شکل زیر به نمایش درآمده است.

شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش



ج. انجام نمونه‌برداری نظری: نمونه‌برداری نظری، فرایند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که بدان وسیله تحلیل‌گر، به‌طور هم‌زمان داده‌های خود را جمع‌آوری، کدگذاری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد برای بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آنها را پیدا کند. انجام نمونه‌برداری و تجزیه و تحلیل داده‌ها، تا زمانی ادامه می‌یابد که اشباع نظری رخ دهد؛ به این معنا که داده‌های جدیدی ظاهر نشود و تمام مفاهیم تئوری، به خوبی توسعه یابند و ارتباط آنها با سایر مفاهیم توضیح داده شود (آل‌دیابت و لی‌ناونس، ۲۰۱۸). در این مرحله، بیانات امام خمینی^ع طی سال‌های ۱۳۴۲ الی ۱۳۶۸، که در مجموعه ۲۲ جلدی *صحیفه امام* گردآوری شده است، مورد بررسی قرار گرفت و داده‌های مرتبط با اقتصاد مردمی، مشارکت مردم و مانند آن را مبتنی بر اصل اشباع نظری، فیش‌برداری و احصاء شد.

د. کدگذاری داده‌ها و خلق نظریه: در روش داده‌بنیاد، سه مرحله کدگذاری انجام می‌شود که خلق نظریه در نتیجه مرحله سوم کدگذاری صورت می‌گیرد. این سه مرحله عبارتند از: «کدگذاری باز»، «کدگذاری محوری» و «کدگذاری انتخابی» (بلیر، ۲۰۱۵). کدگذاری باز، فرایند تحلیلی است که از طریق آن، مفاهیم شناسایی شده و ویژگی‌ها و ابعاد آنها

در داده‌ها کشف می‌شوند. در این مرحله، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، مقوله‌های اولیه اطلاعات، در خصوص پدیده در حال مطالعه را به‌وسیله بخش‌بندی اطلاعات شکل می‌دهد. پژوهشگر، مقوله‌ها را بر همه داده‌های جمع‌آوری شده، نظیر مصاحبه‌ها، مشاهدات و وقایع با یادداشت‌های خود بنیان می‌گذارد. «منظور از مفاهیم، برچسب‌های مفهومی هستند که بر حوادث یا سایر پدیده‌ها زده می‌شوند» (ترابزاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲).

کدگذاری محوری، فرایند ربطدهی مقوله‌ها به زیرمقوله‌ها و پیوند دادن مقوله‌ها در سطح ویژگی‌ها و ابعاد است. در این مرحله، مقوله‌ها، ویژگی‌ها و ابعاد حاصل از کدگذاری، باز تدوین شده و در جای خود قرار می‌گیرد تا دانش فراینده‌ای در مورد روابط ایجاد گردد.

کدگذاری انتخابی، «به فرایند انتخاب مقوله محوری، پیوند نظام‌مند آن با سایر مقوله‌ها، ارزشگذاری روابط بین آنها و درج مقوله‌هایی که نیاز به تأیید و توسعه بیشتری دارند، اشاره دارد. در واقع در این مرحله، نظریه‌پرداز یک نظریه را از روابط فی‌مابین مقوله‌های موجود در مدل کدگذاری محوری، به نگارش درمی‌آورد» (همان). نظریه خلق شده در این مرحله، شرحی انتزاعی برای فرایندی که در پژوهش مطالعه می‌شود، ارائه می‌دهد.

در این بخش از تحقیق، نکته‌های کلیدی داده‌های به‌دست‌آمده از *صحیفه امام*، تحلیل شده و معانی یافت شده از آنها کدگذاری می‌شود. کدها، اشاره به نکته‌ها و موضوعات کلیدی در خلال بیانات حضرت امام^ع داشته و تأکیدات ایشان را بیان می‌دارد. فرایند مقایسه و کنار هم قرار دادن این کدها، برای یافتن محورهای مشترک موجب شکل‌گیری مفاهیم شد. در این مطالعه، همان‌گونه که در جدول ۱ آمده است، تعداد ۵۷ مفهوم کلی به دست آمد که از این مفاهیم، شش مقوله اصلی استخراج شد. معیار توقف در کدگذاری باز، رسیدن به غنای محتوایی و اطلاعاتی و در حقیقت کفایت نظری است.

در گام بعدی، از راه مقایسه هر مفهوم، با مفاهیم دیگر و نسبت‌یابی بین آنها، محورهای مشترکی کشف شد که مقوله‌ها را به وجود آورد. مفاهیم و مقولات استخراجی از بیانات حضرت امام^ع به تفصیل در جدول ۱ بیان شده است. مثلاً، سه مفهوم «فراهم کردن زمینه‌های مشارکت مردم در اقتصاد»، با دو مفهوم «حمایت از مردم و تقویت آنها در عرصه اقتصاد» و «نظارت و کنترل کلان امور و جلوگیری از انحرافات»، ذیل مقوله «بسترسازی‌های لازم توسط دولت» قرار گرفتند.

ه. یادداشت نگاری: یادداشت‌ها، یادداشت‌هایی می‌باشند که پژوهشگر در سراسر فرایند پژوهش می‌نویسد تا ایده‌هایی را در مورد داده‌ها و مقوله‌های کدگذاری شده شرح دهد.

و. اعتبارسنجی نظریه: پس از تدوین یک نظریه، نظریه‌پرداز داده‌بنیاد، فرایند را به وسیله مقایسه آن، با فرایندهای موجودی که در پیشینه تخصصی یافت می‌شود، اعتبارسنجی می‌کند. در انتهای مراحل که در بالا گذشت، مفاهیم و مقولات استخراجی و در نتیجه، مدل اولیه به تأیید خبرگان رسیده و اعتبارسنجی می‌شود. اعتبارسنجی مدل ارائه شده، مبتنی بر جامعیت نظری تحلیل‌ها و کدگذاری‌ها و نیز جامعیت مفاهیم و مقولات،

سنجش معیار استخراج داده‌ها و مفاهیم، مبانی معرفت‌شناسی و اصول حاکم بر اندیشه‌های حضرت امام^ع و معیار کنترل فرایند است که بر اساس نظر محققان و حساسیت نظری آنها حاصل می‌شود.

ز. نگارش و ارائه نظریه: نظریه‌پردازان داده‌بنیاد، نظریه خودشان را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند. الگوی کدگذاری بصری، مجموعه‌ای از قضا یا (یا فرضیه‌ها) و داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود. در این مطالعه، سعی شده است از شکل اول بیان نظریه استفاده و نظریه به صورت الگوی کدگذاری بصری بیان شود. به‌طور خلاصه، می‌توان مسیر تکامل نظریه در استراتژی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد را به صورت زیر به نمایش درآورد (تراب‌زاده جهرمی و همکاران، ۱۳۹۲):



مفاهیم و مقولات

با توجه به توضیحاتی که گذشت، منطق پژوهش ایجاب می‌کند که ابتدا کدگذاری‌ها، سپس مفاهیم و مقولات و در مرحله آخر، مدل ارائه گردد. ولی به علت محدودیت در حجم مقاله، در اینجا تنها به ذکر مفاهیم و مقولات و مدل بسنده می‌شود. در ادامه، ابتدا مفاهیم و مقولات و سپس، مدل نهایی به‌دست‌آمده بیان و توضیح داده می‌شود. جدول ۱، بیانگر مفاهیم و مقولات حاصل از کدگذاری و تحلیل بیانات حضرت امام خمینی^ع است که طبق روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، به دست می‌آید:

جدول ۱. مقولات و مفاهیم نهایی منتج از کدگذاری

مفاهیم		مقولات
نسبت به جهان اطراف	بیداری و خودباوری	فرایند مشارکت مردم در اقتصاد
نسبت به ظرفیت‌ها		
ساختار بیداری و خودباوری		
امیدواری ملت		
مفهوم‌شناسی عزم و رتبه‌بندی آن	همت‌عزم و اراده	
ایستادگی در راه هدف		
تفکر در پیام‌های رسین به هدف		
عزم و همت در نتیجه بیداری	قیام و مشارکت	
مفهوم‌شناسی قیام		
نقش نیت در قیام		
فراهم آمدن امکانات و ابزارهای مادی		
اولویت‌بندی در مشارکت		
اسلام و ایمان	عال و عوامل موثر بر مشارکت مردم در اقتصاد	
اجتماعات دینی و مسجد		
جریان رسانه‌ای		
گروه‌های اثرگذار		
محل‌های تحصیل علم		
حسن تعاون در جامعه		

دولت		دولت	
فراهم آمدن شرایط و امکانات			
مشارکت اقشار مختلف			
فراهم کردن زمینه‌های مشارکت مردم در اقتصاد		بسیارسازی‌های لازم توسط دولت	
حمایت از مردم و تقویت آنها در عرصه اقتصاد			
نظارت و کنترل کلان امور و جلوگیری از انحرافات			
کشاورزی		حوزه‌های آمیزی مشارکت اقتصادی	
صنعت			
تجارت			
تأمین مالی		نتایج مرضی شدن اقتصاد	
اصلاح شرایط زندگی اکثریت مردم			
از بین رفتن فقر و محرومیت			
استقلال و آزادی اقتصادی			
رونق و رشد اقتصادی			
کاهش فساد			
کاهش شکاف طبقاتی			
کاهش کم کاری و بیکاری			
افزایش مصونیت درونی و بیرونی		نقش بازآرندگی دشمن در مرضی شدن اقتصاد	
اشخاص حقیقی یا حقوقی مخالف با اسلام			
از دست دادن منافع			مفهوم شناسی دشمن
بر هم خوردن نقشه‌ها و طراحی‌های کشوری، منطقه‌ای و جهانی			
تلاش در جهت نابودی اسلام و اتحاد مردم			هجوم بر موجبات مشارکت مردمی
اختلاف افکنی و جنابایی بین قسمت‌های مختلف ملت			
انتشار اخبار دروغ			هجوم بر علل و عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی
کوچک، کم ارزش و یا خلاف واقع جلوه دادن دستاوردهای ملت			
بزرگ و یا ارزش جلوه دادن آنچه به ضرر ملت است			
ناملید و بدبین کردن ملت نسبت به دولت با استفاده از حربه تبلیغات			
از چشم مردم انداختن روحانیون و بدنه حکومت			
کنار نگه داشتن روحانیت از جریان امور اجتماعی و سیاسی ملت			
بی تفاوتی بار آوردن و غافل کردن جوانان نسبت به مسائل و از کار انداختن این نیرو			
تلاش جهت در دست گرفتن سرنوشت کشور، ملت و نظام			
از بین بردن بیلتاری مردم نسبت به ظرفیت‌ها و استعدادهایش			
از بین بردن ظرفیت‌ها و استعدادهای ملت			
تلاش در جهت تبدیل ملت به ملتی مصرفی، وابسته و مقلد و بی‌خبر از خود			هجوم بر فرایند مشارکت مردمی و ایجاد اختلال در آن
فراهم آوردن شرایط فساد و بی بند و باری برای ملت			
دل سرد کردن مردم و از بین بردن امیدواری آنان نسبت به جمهوری اسلامی، حکومت و آینده ایران			
راه انداختن جنگ سخت			
حملات نرم به فرهنگ و افکار ملت‌ها			

(منبع: یافته‌های تحقیق)

مدل نهایی

همان‌طور که گذشت، در این مطالعه سعی شده است از شکل اول بیان نظریه استفاده و نظریه به صورت الگوی کدگذاری بصری بیان شود. در این الگو، نظریه پرداز داده بنیاد، مقوله‌ای را از مرحله‌های پیش انتخاب می‌کند و آن را در مرکز فرایندی که در حال تحلیل آن است، به عنوان پدیده مرکزی و محوری قرار می‌دهد. سپس، سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌کند. این مقوله‌ها به شرح زیر هستند:

مقوله محوری: صورت ذهنی از پدیده‌ای که اساس فرایند است.

شرایط علی: مقوله‌هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری اثر می‌گذارند.

شرایط زمینه‌ای: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می‌گذارند.

راهبردها: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شود.

پیامدها: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها است.

شرایط مداخله‌گر: شرایط زمینه‌ای عمومی، که بر راهبردها اثر می‌گذارند (شفیعا و موسوی لقمان، ۱۳۹۳).

با توجه به توضیحات فوق، مقوله «فرایند مشارکت مردم در اقتصاد»، به‌عنوان مقوله محوری به دست آمد. ذیل

این مقوله، سه مفهوم «بیداری و خودباوری»، «همت، عزم و اراده» و «قیام و مشارکت» قرار گرفت که به ترتیب،

سه گام تحقق فرایند مذکور تلقی می‌شوند. توضیح اینکه، طبق نتایج این پژوهش، برای مردمی‌شدن اقتصاد در گام

اول، باید در مردم یک آگاهی از جمله در عرصه‌های اقتصادی رخ دهد. اگر این آگاهی رخ دهد، به‌تدریج در مردم

عزم و اراده‌ای در جهت تحقق مردمی‌شدن اقتصاد شکل می‌گیرد که در صورت وجود شرایط و بستری‌های لازم،

منجر به مشارکت مردم در عرصه‌های اقتصادی خواهد شد.

حضرت امام^ع برای مشارکت مردم در اقتصاد، به طی مسیری قائل‌اند که به‌طور کلی از سه گام آگاهی، اراده و

مشارکت تشکیل شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳، ص ۵۳۱). آگاهی و خودباوری از جمله در عرصه

اقتصاد، مهم‌ترین و اولین گامی است که باید برای دستیابی به وضعیت مطلوب صورت گیرد (همان، ص ۵۳۷؛ ج ۱،

ص ۱۳۴). پس از این مرحله است که در مردم همت و انگیزه برای حضور و مشارکت در اقتصاد پدید آمده و در

انتها به مشارکت مردم در برپایی اقتصادی مقاوم منجر خواهد شد که مقاومت در برابر هجمه‌های اقتصادی دشمن

یکی از ویژگی‌های آن خواهد بود. این آگاهی، باید نسبت به دو چیز صورت گیرد: نسبت به جهان اطراف و نسبت

به ظرفیت‌های کشور و خود مردم (همان، ج ۱۱، ص ۲۲۳؛ ج ۱۳، ص ۵۳۵ و ۵۳۷). عناصر اصلی برای ساختار این

آگاهی عبارتند از: فرهنگ حاکم بر جامعه با محوریت رسانه، مسجد با محوریت روحانی، مدرسه و دانشگاه با

محوریت معلم و استاد و خانه با محوریت والدین (حسینی و حسینی، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۲۷).

برای تحقق مقوله محوری که توضیحات آن گذشت، شرایطی لازم است. این شرایط تحت دو دسته جای می‌گیرند:

شرایط علی و شرایط زمینه‌ای. در این مدل، شرایط علی شرایطی هستند که به‌عنوان علل و عوامل تأثیرگذار بر

مشارکت مردم در اقتصاد، از آنها یاد شده است و به‌عنوان شرایط اولیه و پیشینی، برای مردمی‌شدن اقتصاد مدنظر

باید وجود داشته باشند و تقویت شوند. این شرایط از یک سو، در ایجاد آگاهی اقتصادی مردم نقش ایفا می‌کنند و از

سوی دیگر، آن را به سمت قیام و مشارکت در عرصه‌های اقتصادی جهت می‌دهند. این علل و عوامل عبارتند از:

اسلام و ایمان (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱، ص ۱۸۳)، حس تعاون در جامعه (همان، ص ۲۸۴)، مشارکت جمعی

(همان، ص ۵۱۰)، اجتماعات دینی (همان، ج ۱۳، ص ۳۲۳ و ۳۲۶ و ۳۳۰) و مسجد (همان، ج ۸، ص ۵۳۶؛ ج ۱۳،

ص ۱۵؛ ج ۹، ص ۲۶ و ۲۳۸)، جریان رسانه‌ای (همان، ج ۱۷، ص ۳۸۶)؛ اعم از مطبوعات، مجلات، روزنامه‌ها،

سینماها، تئاترها، رادیو و تلویزیون، گروه‌های اثرگذار من جمله روحانیت (همان، ج ۱۵، ص ۱۳)، دانشگاهی‌ها،

دانشجویان، برخی از روشنفکران و... (همان، ج ۱۱، ص ۴۶۱؛ ج ۷، ص ۳۷۷)، محل‌های تحصیل علم (همان، ج ۸، ص ۶۱)، فراهم آمدن شرایط و امکانات (همان، ص ۱۵۳)، و دولت (همان، ج ۱۳، ص ۴۹۷).

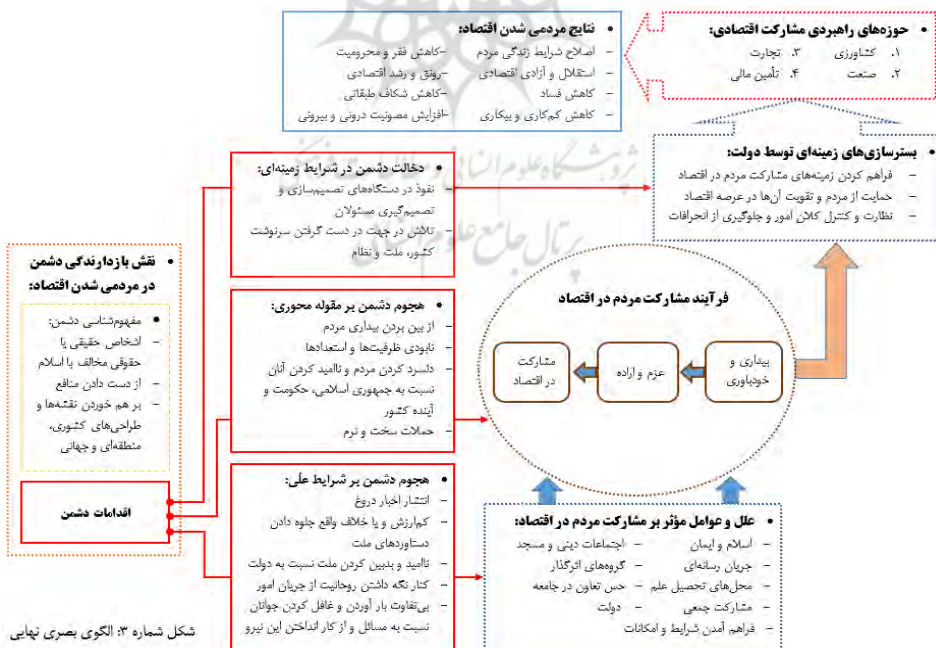
شرایط زمینهای نیز در این الگو، به شرایطی اطلاق می‌شود که شرایط ثانویه و به‌عنوان مکمل شرایط اولیه مطرح می‌شوند. به عبارت دیگر، زمانی که فرایند مشارکت مردم در اقتصاد به‌عنوان مقولهٔ محوری و تحت عملکرد و سازوکار شرایط علی به وقوع پیوست، آنگاه شرایط زمینهای دخالت کرده، راه مشارکت مردم در اقتصاد را فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، وجود شرایط علی را می‌توان به گونه‌ای به‌عنوان شرایط لازم و وجود شرایط زمینهای را می‌توان به گونه‌ای، به‌عنوان شرایط کافی مطرح کرد. تحقق این شرایط، نیازمند بسترسازی‌هایی است که باید از سوی دولت صورت گیرد و سیر تحقق مشارکت مردم در اقتصاد را تسهیل کند. وظایفی که دولت در این جهت بر عهده دارد، در سه دسته جای می‌گیرند: فراهم کردن زمینهای مشارکت مردم در اقتصاد، حمایت از مردم و تقویت آنها در عرصه اقتصاد (حسینی و حسینی، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۱۹) و نظارت و کنترل کلان امور و جلوگیری از انحرافات (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۷، ص ۱۳۰).

مشارکت مردمی با توجه به توضیحاتی که گذشت، در هر حوزه و عرصه اقتصادی که مردم توانایی آن را دارند، می‌تواند صورت پذیرد (همان، ج ۲۰، ص ۵۵-۵۶؛ ج ۱۹، ص ۴۰۹-۴۱۰). از جمله حوزه‌های راهبردی که حضرت امام به صراحت به آنها اشاره دارند، می‌توان به چهار حوزه اشاره کرد که عبارتند از: حوزه‌های کشاورزی (همان، ج ۹، ص ۳۶۴-۳۶۵)، صنعت (همان، ج ۱۶، ص ۲۴۰-۲۴۱)، تجارت (همان، ج ۲۱، ص ۱۱۶) و تأمین مالی.

طبق بررسی‌های این پژوهش، در اندیشه امام خمینی^ع تحقق اقتصاد مردمی موجب اصلاح شرایط زندگی اکثریت مردم (همان، ج ۵، ص ۱۵۵)، کاهش فقر و محرومیت (همان، ج ۲۰، ص ۳۳۹-۳۴۲)، استقلال و آزادی اقتصادی (همان، ج ۱۵، ص ۳۴۰)، رونق اقتصاد (همان، ج ۱۱، ص ۴۱۵)، کاهش فساد (حسینی و حسینی، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۱۲-۱۱۴)، کاهش شکاف طبقاتی (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۴۷۰-۴۷۱)، کاهش کم‌کاری و بیکاری (همان، ص ۳۴۵؛ ج ۱۱، ص ۴۲۵)، افزایش مصونیت درونی و بیرونی (حسینی و حسینی، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۳۶) خواهد شد. در اقتصاد مردمی، که همه ظرفیت‌های جامعه از جمله ظرفیت‌های انسانی به کار گرفته می‌شود، بسیاری از توانایی‌های بالقوه انسان‌های محروم، بالفعل شده و بنابراین، فقر ریشه کن می‌گردد. به عبارت دیگر، مردم‌محوری در اقتصاد دربرگیرندهٔ منافع محرومین خواهد بود؛ چیزی که در اقتصاد سرمایه‌داری و اشتراکی مورد توجه قرار نگرفته است (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۳۴۰). درحالی که در اقتصاد مورد نظر اسلام که مشارکت مردمی در حوزه‌های مختلف اقتصاد یکی از مؤلفه‌های آن است، اقتصادی خودکفا و بدون وابستگی، به نفع همگان و نه به نفع حداکثر و یا برخی اقشار جامعه، با اهمیت به ضعیفان و مستمندان، نه متمکین مرفه و زراندوزان خواهد بود که به دنبال بارور کردن و شکوفایی ظرفیت‌های اقتصادی است و برای رشد بیشتر کوشش می‌کند (همان، ج ۱۹، ص ۳۴۳؛ ج ۲۱، ص ۴۴۴).

جزه نهایی الگو، نقشی است که دشمن در آن ایفا می‌کند. در این مطالعه، ذیل شرایط مداخله‌گر مورد بررسی قرار گرفته است. دشمن در طول تاریخ، از مکتب ملت ایران اسلامی بسیار ضربه دیده و همه اقداماتی که علیه ملت انجام می‌دهد، به دلیل ضربه‌ای است که خورده است (همان، ج ۱۶، ص ۱۲۶-۱۲۷ و ۲۲۸-۲۹۹). دشمن پیش از انقلاب، از

یک سو، از قیل کشور منافع زیادی مثل نفت، بازار مصرف، موقعیت سوق الجیشی و... به دست می‌آورد که پس از انقلاب اسلامی، ملت ایران دست آنها را کوتاه کرده است (همان، ج ۱۱، ص ۴۳۴). از سوی دیگر، انقلاب اسلامی ایران بسیاری از نقشه‌های آنها در کشور، منطقه و جهان را بر هم زده است. بنابراین، مخالفت دشمن با مکتب ملت است (همان، ج ۹، ص ۳۶۰). به همین جهت، درصدد از بین بردن آن و هر چیزی است که در جهت تقویت یا حفظ آن باشد. از این رو، با مردمی شدن به این جهت که موجب تقویت و رشد شئون مختلف ایران اسلامی از جمله اقتصاد و پیشرفت آن و حفظ و تقویت مکتب خواهد بود، مخالفت کرده و تلاش خود را برای به نتیجه نرسیدن آن به کار بسته است. اقدامات دشمن در این خصوص، در سه حوزه جای می‌گیرد: هجوم بر فرایند مشارکت مردمی، هجوم بر علل و عوامل مؤثر بر مشارکت مردمی و دخالت در شرایط زمینه‌ای مشارکت مردم. در حوزه اول، از بین بردن آگاهی و خودباوری مردم و نابودی ظرفیت‌ها و استعدادها و دل‌سرد کردن مردم و ناامید کردن آنان نسبت به جمهوری اسلامی (همان، ج ۱۲، ص ۳۳۸)، حکومت و آینده کشور و حملات سخت و نرم (همان، ج ۱۶، ص ۱۱۴)، از جمله اقدامات دشمن است. از جمله اقدامات حوزه دوم نیز می‌توان به انتشار اخبار دروغ (همان، ج ۱۶، ص ۴۷۹)، کم‌ارزش و یا خلاف واقع جلوه دادن دستاوردهای ملت (همان، ج ۱۶، ص ۱۲۶-۱۲۷ و ۲۲۸-۲۹۹)، ناامید و بدبین کردن ملت نسبت به دولت (همان، ج ۱۵، ص ۲۶۰-۲۶۱)، کنار نگه داشتن روحانیت از جریان امور (همان، ج ۱۳، ص ۴۳۳)، بی‌تفاوتی بارآوردن و غافل کردن جوانان نسبت به مسائل و از کار انداختن این نیرو (همان، ص ۲۰۱) اشاره کرد. در حوزه سوم نیز می‌توان به اقدام دشمن را بیان کرد: نفوذ در دستگاه‌های تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری مسئولان (همان، ج ۱۶، ص ۱۷۷-۱۷۹) و تلاش در جهت در دست گرفتن سرنوشت کشور، ملت و نظام.



شکل شماره ۳: الگوی بصری نهایی

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت اقتصاد مقاومتی و مردم‌محوری به‌عنوان یکی از ارکان آن، در این مطالعه با بررسی بیانات حضرت امام خمینی^ع در حوزه مشارکت مردمی در اقتصاد و به کمک روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، تعداد ۵۷ مفهوم کلی به دست آمد، که از این مفاهیم، شش مقوله اصلی استخراج شد. با بررسی ارتباط بین مقولات و کشف روابط علی بین آنها، الگویی برای مشارکت مردمی به دست آمد که در بالا توضیحات و نمای شماتیک آن گذشت. در این الگو، فرایند مشارکت مردم در اقتصاد، به‌عنوان مقوله محوری مورد بررسی قرار گرفت و توضیحاتی پیرامون شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، حوزه‌های راهبردی، پیامدها و شرایط مداخله‌گر در مردمی شدن اقتصاد ارائه شد.

از آنجا که هدف این پژوهش، تنها بیان الگوی مشارکت مردم در اقتصاد بر اساس بیانات حضرت امام^ع بوده، در آن به سایر ابعاد بحث مردمی کردن اقتصاد، از جمله آسیب‌شناسی اقتصاد ایران از این جهت پرداخته نشده است؛ زیرا از یک طرف بحث مردمی کردن اقتصاد، به دلیل ابهامات فراوان حول آن، نیازمند کارهای پژوهشی گسترده و جداگانه‌ای است. از سوی دیگر، قضاوت دقیق در این خصوص نیازمند شاخص‌سازی در حوزه اقتصاد مردمی و تطبیق آن با شرایط موجود است و شاخص آماری خاصی هم وجود ندارد که به‌واسطه آن، بتوان میزان مردمی بودن اقتصاد را سنجید. اما از این جهت که مردم‌محوری، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی بوده و این امر راه علاج مشکلات اقتصادی کشور محسوب می‌شود، در این مقام بحث آسیب‌شناسی اقتصاد ایران، از حیث مردمی بودن، مبتنی بر تعریف حضرت امام از اقتصاد مردمی و نتایجی که چنین اقتصادی از نظر ایشان در پی خواهد داشت، بیان و راهکارهای مرتبط ارائه گردیده است.

در اقتصاد مردمی، طبق تعریف حضرت امام از این اقتصاد، اولاً، حضور مردم آگاهانه است. درحالی‌که اقتصاد سرمایه‌داری از طریق جلوگیری از بیداری مردم، بردگی جدیدی به وجود آورده است که در آن، افشار عظیم مردم به بردگی سرمایه‌داران و جهان‌خواران درآمده‌اند (موسوی‌خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۰، ص ۳۳۹؛ ج ۱۰، ص ۱۱۷). ثانیاً، حضور مردم فعالانه است؛ ولی در اقتصاد ایران مشاهده می‌شود که حضور مردم در اقتصاد، به‌صورت منفعلانه و بیشتر به تبع حضور سرمایه رخ می‌دهد. ثالثاً، حضور مردم داوطلبانه و متناسب با توان افراد است، اما در نیروی کار ایران، یک بی‌رغبتی یا کم‌رغبتی به کار و محیط کار مشاهده می‌شود که آمار بهره‌وری گویای آن است. رابعاً، این حضور در تمامی عرصه‌های اقتصاد حتی در عرصه تجارت خارجی است. درحالی‌که وضعیت بازرگانی کشور و صادرکنندگان و واردکنندگان این عرصه، مطلب دیگری را نشان می‌دهد. خامساً، در اقتصاد مردمی همه مردم و همه ظرفیت‌های اقتصادی حضور دارند، ولی نرخ بیکاری و ظرفیت‌های معطل انسانی، جغرافیایی و خدادادی کشور گویای مطلب دیگری است. از سوی دیگر، وقتی از جنبه نتایج مردمی شدن اقتصاد، اقتصاد ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد، مشاهده می‌شود که مردم در اقتصاد کشور، جایگاه چندانی ندارند. از جمله نتایج مردمی شدن اقتصاد از نظر حضرت امام^ع کاهش فقر و محرومیت، رونق اقتصاد، کاهش فساد، کاهش شکاف طبقاتی و کاهش کم‌کاری و بیکاری است. درحالی‌که آمارهای مربوط به رشد اقتصادی، فساد، شکاف طبقاتی و سایر مؤلفه‌های کلان‌گویای چنین

وضعیتی نیست. البته کارگاه‌های صنعتی، برخی تعاونی‌ها، تأمین مالی‌های مردمی، صندوق‌های قرض‌الحسنه و مواردی از این دست، تا حدی بیانگر مشارکت مردمی در اقتصادند. اما مردم‌محوری مدنظر حضرت امام را نمی‌توان صرفاً در مصادیق این‌چنینی خلاصه کرد، بلکه باید به چنین اقتصادی، به‌صورت یک نظام و یک سبک زندگی اقتصادی جدید نگریست (حسینی و حسینی، ۱۳۹۵، ص ۵-۷).

با این توضیح، برای مردمی‌شدن اقتصاد، ریل‌گذاری‌های اقتصادی باید به گونه‌ای باشد که عرصه‌های اقتصادی را با بدنه و پتانسیل‌های مردمی درگیر کند؛ بدون اینکه اقتصاد دچار انحصار دولتی یا خصوصی گردد. از مهم‌ترین وجوه ریل‌گذاری مذکور، «فراهم کردن شرایط علی» و «تحقق شرایط زمینه‌ای» مشارکت مردم در اقتصاد است که در ادامه توضیح داده شده‌اند.

الف. توانمندسازی مردم و آگاهی‌بخشی به آنها (فراهم کردن شرایط علی)

برای مردمی‌کردن اقتصاد، ابتدا باید فضای حاکم بر عرصه‌های اقتصادی، از نظر پیش‌زمینه‌ها و مقدمات قانونی، فرهنگی و... در راستای توانمندسازی اقشار مختلف مردم قرار گیرد، تا استعدادها و پتانسیل‌های مردمی شکوفا شود. مثلاً، باید امکانات و سرمایه‌های در اختیار مردم افزایش یابد، به آنها اجازه مدیریت کردن در حوزه‌های مرتبط به خودشان داده شود، از لحاظ فکری و آموزشی ارتقاء یابند و از نظر اقتصادی به بلوغ برسند.

اساساً مردمی‌سازی اقتصاد، مستلزم بالفعل کردن ظرفیت‌های مردمی و افزایش قابلیت‌های پیشینی آنهاست. مثلاً، مهاتیر محمد سیاستمدار مالزیایی، برای انجام اصلاحات اقتصادی و حرکت کشور مالزی، به سمت محصولات صنعتی و دارای تکنولوژی پیش رفته، ابتدا یک دوره گذار سه ساله تعریف کرد و در آن آموزش‌ها و مهارت‌های لازم برای این حرکت را به‌صورت رایگان در اختیار مردم قرار داد. او این کار را انجام داد، تا مردم آمادگی اولیه را پیدا کنند و زمانی که می‌خواست اصلاحات را شروع کند، مردم کمتری آسیب ببینند. این کار، در جهت مردمی‌کردن اقتصاد بود که در آن ابتدا ظرفیت‌ها و استعدادهای مردم را شکوفا کرد و سرمایه‌های آنها را افزایش داد.

از آنجا که آگاهی‌بخشی به مردم و خودباوری در عرصه‌های اقتصادی، از مهم‌ترین لوازم توانمندسازی آنهاست، مبتنی بر بیانات حضرت امام^ع توصیه می‌شود ظرفیت‌های رسانه‌ای کشور از جمله صدا و سیما، منابر، آموزش و پرورش و...، در جهت آگاهی‌بخشی به مردم، خودباوری آنان در حوزه‌های اقتصادی، ترویج و گفتمان‌سازی این فرهنگ و افزایش بصیرت و مشارکت آنان هم‌راستا شده و آگاهی‌های مرتبط با جنگ اقتصادی، تحریم، حمایت از تولید ملی، دیسیسه‌های فرهنگی، اقتصاد مقاومتی و مواردی از این دست را به مردم منتقل کنند. همچنین آنان را نسبت به فرصت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی، در حوزه‌های مختلفی چون تجاری، کشاورزی، منابع طبیعی، معدنی و... آگاه نموده و از سرگرم کردن مردم به مسائل بی‌اهمیت و کم‌اهمیت، یا مصرفی بارآوردن آنها بپرهیزند.

ب. ایجاد محیط نهادی و کاهش هزینه‌های مشارکت (تحقق شرایط زمینه‌ای)

برای تحقق اقتصاد مردم‌محور، دولت علاوه بر نقشی که در کنار سایر عوامل در زمینه تقویت شرایط علی ایفا می‌کند، در تحقق شرایط زمینه‌ای نیز نقش مهمی بر عهده داشته و باید محیط نهادی موردنیاز جهت مشارکت را

آماده کند، به گونه‌ای که افق فعالیت اقتصادی برای مردم شفاف و جذاب شود. در این فرایند، دولت ابتدا وظیفه دارد تا فضایی را ایجاد کند که مردم بتوانند مدیریت امور اقتصاد را به دست گرفته و در اقتصاد کشور حضوری فعال و تأثیرگذار داشته باشند. گام بعدی، حمایت از این مردم و تقویت آنها و ارائه امکانات لازم به آنها می‌باشد. در گام سوم نیز دولت باید به نظارت و کنترل کلان امور بپردازد و از انحرافات و خطاها جلوگیری کند. موارد زیر، از جمله اقداماتی است که در این جهت توصیه می‌شود:

- ایجاد محیط نهادی لازم و کاهش هزینه‌های مشارکت مردم، از طریق تسهیل فضای کسب‌وکار و اصلاح یا وضع قوانین مربوطه؛

- افزایش دانش و مهارت‌های مردم، در حوزه‌های اقتصادی و حقوقی مرتبط، از طریق ایجاد، ارتقاء و توسعه مراکز فنی - حرفه‌ای و آموزش‌های ضمن خدمت؛

- توانمندسازی بدنه مردمی، از طریق قرار دادن امکانات و سرمایه لازم در اختیار آنها؛

- توزیع مناسب، شفاف و ضابطه‌مند منابع از طریق اصلاح ساختار نظام بانکی و تأمین مالی؛

علی‌رغم تأکیدات امام خمینی^ع متأسفانه در تبدیل ایده اصلی مردم‌محوری، به یک راهکار عملی و اجرایی موانعی پیش آمده و عملاً برخی از سیاست‌های اتخاذ شده در ج.ا. ایران، در راستای مردم‌محوری نبوده، حتی گاهی در جهت محدود کردن نقش مردم در معنای مورد نظر این مقاله بوده است. از این رو، توصیه می‌شود در پژوهش‌های آتی یک آسیب‌شناسی همه‌جانبه در این زمینه صورت گیرد، تا زمینه عملی برای تقویت نقش مردم در اقتصاد و پیاده‌سازی ایده مردم‌محوری انجام پذیرد.

- اسدیپور، عهدیه و همکاران، ۱۳۹۷، «مشارکت اجتماعی رسمی و غیررسمی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهرستان آمل)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۳، ص ۶۷-۸۶.
- ترابزاده چهرمی، محمدصادق و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی ابعاد و مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، ش ۳۲، ص ۳۱-۴۶.
- حبیبی، سیدمحسن و هادی سعیدی رضوانی، ۱۳۸۴، «شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران»، *هنرهای زیبا*، ش ۲۴، ص ۱۵-۲۴.
- حسینی، مجتبی و سیدحسین حسینی، ۱۳۹۵ (الف)، *تبیین الگو و معیارهای اقتصاد مردم‌محور مبتنی بر اندیشه امام خمینی*، تهران، سدید.
- _____، ۱۳۹۵ (ب)، «تبیین فرآیند مشارکت مردمی در شکل‌گیری الگوی دفاع اقتصادی از جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اندیشه حضرت امام خمینی»، در: *نسخه الکترونیکی مجموعه مقالات دفاع اقتصادی*، تهران.
- حسینی، سیدحسین، ۱۳۹۵، «جایگاه مردم در مدل اقتصاد اسلامی، مبتنی بر اندیشه امام خمینی»، در: *سومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی*.
- حسینی بهشتی، سید علیرضا و حسین هاوی، ۱۳۸۵، «نقش اعتمادسازی در افزایش مشارکت عمومی از دیدگاه امام خمینی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۹، ص ۱۱۳-۱۳۲.
- خادم‌الحسینی، احمد و صفیه عارفی‌پور، ۱۳۹۱، «شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری، چشم‌انداز جغرافیایی»، *مطالعات انسانی*، ش ۱۹، ص ۱۰۸-۱۲۳.
- خاندوزی، سیداحسان، ۱۳۹۳، *نرم‌افزار چندرسانه‌ای سلسله جلسات دفاع اقتصادی، جلسه سوم: مصون‌سازی اقتصاد با رویکرد اقتصاد مردمی*، تهران، سازمان پدافند غیرعامل کشور با همکاری قرارگاه پدافند اقتصادی.
- دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی، ۱۳۸۶، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، *اندیشه مدیریت*، ش ۲، ص ۶۹-۹۷.
- دری نوگورانی، حسین، ۱۳۶۹، *مشارکت مردم در فعالیت‌های اقتصادی (تحلیلی بر مفاهیم و روش‌ها)*، دانشگاه امام صادق، پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- رجبی فرجاد، حاجیه و کرم‌اله دانش‌فرد، ۱۳۹۳، «طراحی مدل مشارکت شهروندان در نظارت عمومی (با تأکید بر نقش مشارکت شهروندان در کاهش جرایم)»، *پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی*، ش ۳، ص ۱-۲۸.
- شریف‌زاده، فتاح و جواد صدقی، ۱۳۸۷، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر»، *مطالعات مدیریت*، ش ۵۹، ص ۴۷-۷۰.
- شفیعا، محمدعلی و سیده‌اشرف موسوی لقمان، ۱۳۹۳، «نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۵۱، ص ۳۵-۶۲.
- شقایق شهری، وحید، ۱۳۹۷، «سنجش مقاومت اقتصادی ایران و کشورهای منتخب منطقه (مقایسه روش‌های تجمع شاخص‌های ترکیبی)»، *تحقیقات اقتصادی*، ش ۱، ص ۲۲۵-۲۵۲.
- شیانی، ملیحه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت امور شهری تهران»، *مطالعات شهری*، ش ۴، ص ۲۱۵-۲۴۰.
- طوسی، محمدعلی، ۱۳۷۲، *مشارکت (در مدیریت و مالکیت)*، تهران، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- عمید، حسن، ۱۳۸۹، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران، راه رشد.
- کشتکار، مهران و محمدرضا حاتم‌ی، ۱۳۹۴، «الگوی مفهومی مشارکت سازمان یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی

قدرت نظام»، *مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۶۹، ص ۳۹-۶۷

گلایی، فاطمه و نازیلا اخشی، ۱۳۹۴، «مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۳، ص ۱۳۹-۱۶۰.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۵، *صحیفه امام*، چ چهارم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع)

مهرایی، امیرحمزه و همکاران، ۱۳۹۰، «معرفی روش‌شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی (ارائه یک نمونه)»، *مدیریت*

فرهنگ سازمانی، ش ۳۳، ص ۵-۳۰.

یوسفی، احمدعلی، ۱۳۹۲، «الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی»، *اقتصاد اسلامی*، ش ۴۸، ص ۵۳-۷۶.

_____، ۱۳۹۵، *میانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی*، شهرکرد، مقاومت.

Aldiabat, K. M. & Le Navenec, C, 2018, "Data Saturation: The Mysterious Step In Grounded Theory Method", *The Qualitative Report*, Vol. 23, No. 1, P 245-261.

Blair, Erik, 2015, "A Reflexive Exploration of Two Qualitative Data Coding Techniques", *Journal of Methods and Measurement in the Social Sciences*, Vol. 6, No. 1, P 14-29.

Cornwall, Andrea, 2008, "Unpacking 'Participation': Models, Meanings and Practices", *Community Development Journal*, Vol. 43, No. 3, P 269-283.

Creswell, John W, 2005, *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research*, 4th ed, Lincoln, University of Nebraska.

Davies, Anna, Julie, Simon, Patrick, Robert and Norman, Will, 2012, *Mapping Citizen Engagement in the Process of Social Innovation*, Atlantis, University of Heidelberg, Danish Technological Institute

Haller, Max & Hadler, Markus, 2006, "How Social Relations and Structures Can Produce Happiness and Unhappiness: An International Comparative Analysis", *Social Indicators Research*, Vol. 75, No. 2, P 169-216.

Lechman, E. Kaur, H, 2015, "Economic Growth and Female Labor Force Participation – Verifying the U- feminization Hypothesis. New Evidence for 162 Countries Over the Period 1990-2012", *Economics and Sociology*, Vol. 8, No. 1, P 246-257.

Losindilo, Elisia & Mussa, AS. & Akarro, RRI, 2010, "Some Factors That Hinder Women Participation in Social, Political and Economic Activities in Tanzania", *Arts and Social Sciences Journal*, Vol. 2010, ASSJ-4.

Mc Lagan, Patricia & Nel, Christo, 1992, *The Age of Participation: New Governance for the Workplace and the World*, San Francisco, Berrett-Koehler Publishers.

Novak, Michael, 1982, *The Spirit of Democratic Capitalism*, New York, Simon and Schuster.

www.khamenei.ir